



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

اندیشه سیاسی

محمد مهدی شمس الدین

استاد راهنما:

حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

استاد مشاور:

حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی

نگارنده:

مجید مرادی رودپشتی

1385

آذر 1384

تقدیم

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به روح چهره‌ای درخشان در اندیشه اسلامی معاصر، متفکر

فقیه معاصر علامه محمد مهدی شمس الدین (ره)

تقدیر و تشکر

به حکم قدرشناسی و پاس حریم دانش و آگاهی از جناب دکتر داود فیرحی استاد
راهنمای محترم به سبب راهنمایی‌ها و یاری‌های راه‌گشایشان سپاسگزارم.
هم‌چنین از جناب دکتر منصور میراحمدی استاد مشاور محترم به سبب تذکرات مفیدشان
سپاسگزارم.

چکیده

نظریه نظام سیاسی ولایت امت بر خویش از جدیدترین نظریه‌های شیعی است که مدعی الگویی است که به اختلافات تاریخی میان مذاهب اسلامی بر سر مسأله دولت پایان می‌بخشد و دلیل آن این است که این نظریه، مبانی کلامی دو نظریه اصلی دولت یعنی خلافت نزد اهل سنت و ولایت نزد شیعه را مرتبط با دوره زمانی‌ای می‌داند که سپری شده است، زیرا خلافت نماد روندی تاریخی و نه مستند به نص بوده و امامت شیعه به رغم استناد به نص و اصالت آن، با آغاز دوره غیبت کبری، کارکرد سیاسی‌اش را از دست داده و نیابت از امام معصوم (ع) هم اگر در پاره‌ای امور حسیه و در شرایط خاص در عصر غیبت پذیرفته شد، در مسأله نظام سیاسی و دولت‌مبنایی ندارد و با آغاز غیبت کبری، امت خود حاکم بر سرنوشت سیاسی خویش است و برخورد ولایت دارد.

شمس‌الدین در طرح و احیای این نظریه از عواملی مانند اندیشه و رفتار استادش سید محسن حکیم، نظریه سیاسی محمد باقر صدر و فضای سیاسی متنوع و متکثر لبنان و به ویژه درگیری‌های دو جنبش شیعی حزب الله و امل متأثر بوه است.

تفکیک دوره حضور معصوم از دوره غیبت، تفکیک میان احکام تشریعی و احکام تدبیری، اصل اولیه عدم ولایت، ولایت امت در منطقه الفراغ، مطلوبیت دموکراسی و نسبت آن با شورا و عرفی بودن ذات قدرت از مهم‌ترین مبانی فقهی - کلامی نظریه نظام سیاسی ولایت امت است. ساختار نظام سیاسی ولایت امت بر مبنای رویکردی ایجابی به اصل تأسیس نظام سیاسی و مشروعیت آن در عصر غیبت استوار است و کاملاً دموکراتیک است.

این نظام سیاسی به لحاظ کارکردی، در مرکز تصمیم‌گیری، نهاد شورا (مجلس شورا) را قرار می‌دهد و دامنه قدرت را محدود به حداقل حوزه عمومی می‌داند و حوزه خصوصی را جز در حد لزوم مستثنا از حیطه اعمال قدرت می‌داند و جریان قدرت در این نظام سیاسی، دموکراتیک و از پایین به بالا است.

فهرست مطالب

بخش اول: طرح تحقیق و چارچوب نظری: 4

1. بیان مساله..... 5
2. علت انتخاب موضوع..... 5
3. سابقه پژوهش..... 5
4. سؤال اصلی..... 6
5. فرضیه های پژوهش..... 6
6. سازماندهی تحقیق..... 6

فصل اول: روش شناسی تحقیق: 8

- روش شناسی تحقیق..... 9
- نظریه های دولت..... 10
- پیدایی و تحول نظریه های دولت در اسلام..... 12
- مدل تحلیل..... 14

بخش دو: منابع و مبانی نظام سیاسی 17

- ولایت امت..... 17
- منابع نظری نظام سیاسی ولایت امت..... 19
- دلایل وجوب حکومت..... 19
- دلایل عقلی..... 22
- دلیل نقلی..... 22

فصل دوم: مبانی اجتماعی - تاریخی

تأسیس حزب الدعوة..... Error! Bookmark not defined.

بازگشت به لبنان..... Error! Bookmark not defined.

بر آمدن جنبش امل..... Error! Bookmark not defined.

شکلگیری حزب الله..... Error! Bookmark not defined.

درگیری های دو حزب شیعی امل و حزب الله not Error! Bookmark

defined.

Error! Bookmark not defined.....[تنوع مذهبی و طایفه‌ای لبنان](#)

Error! Bookmark not defined. [فصل سوم: مبانی فقهی کلامی](#)

Error! Bookmark not defined.....[نظام سیاسی ولایت امت](#)

Error! Bookmark not [مبانی فقهی کلامی نظام سیاسی ولایت امت](#)
defined.

Error! Bookmark not defined.....[الف: اصل عدم ولایت](#)

[ب\) تعطیل مبانی کلامی نظریه‌های قدیم دولت اسلامی \(امامت و خلافت\)](#)

Error! Bookmark not defined.....

Error! Bookmark not defined.....[ج\) انعطاف شریعت اسلام](#)

Error! Bookmark not [د: تفکیک دوره غیبت امام از دوره حضور](#)
defined.

Error! Bookmark not [ه: تفکیک میان احکام تشریعی و احکام تدبیری](#)
defined.

Error! Bookmark not defined..[و\) ولایت امت در منطقه الفراغ تشریعی](#)

Error![ز\) مطلوبیت دموکراسی به عنوان ساز و کار حکومت](#)

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....[ح\) عرفی بودن قدرت](#)

Error! [بخش سوم: ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت](#)
Bookmark not defined.

Error! Bookmark not [فصل چهارم: ساختار نظام سیاسی ولایت امت](#)
defined.

Error! Bookmark not defined.....[ا\) ساختار نظام سیاسی ولایت امت](#)

Error! Bookmark not [1 - عناصر و نهادهای نظام ولایت امت](#)
defined.

Error! Bookmark not defined.....[ب\) نهاد قضا](#)

Error! Bookmark not defined.....[ج\) پارلمان](#)

Error! Bookmark not [2 - مرزهای قدرت در نظریه ولایت امت بر خویش](#)
defined.

Error! Bookmark not defined.....[شبکه قدرت](#)

Error! Bookmark not defined.....الف) اقلیت‌ها یا افراد بی‌طرف

Error! Bookmark not defined.....ب) حمایت‌کنندگان

Error! Bookmark not defined.....زن در نظریه ولایت امت

Error! Bookmark not defined.....ج) فعالان نظام سیاسی ولایت امت

Error! Bookmark not د) نظام ولایت امت و مسلمانان خارج از دولت
defined.

Error! Bookmark فصل پنجم: کارکرد دولت در نظام سیاسی ولایت امت
not defined.

Error! Bookmark کارکرد دولت در نظام سیاسی ولایت امت
not defined.

Error! Bookmark not defined.....1 - مرکز تصمیم‌گیری؛ نهاد شورا

Error! Bookmark not defined.....2 - دامنه قدرت

Error! Bookmark not defined.....3 - جریان قدرت

Error! Bookmark not defined.....نتیجه‌گیری

Error! Bookmark not defined.....فهرست منابع

بخش اول:

طرح تحقیق و چار چوب نظری

1. بیان مساله

در سده اخیر و هم زمان با جنبش مشروطه 1285 ش در ایران و پس از آن در زمان الغای خلافت عثمانی 1924 و بعد از آن نظریه‌های مختلف و متنوعی در باب دولت در اسلام مطرح شد که هر کدام به گونه‌ای به بحران زمانه خود پاسخ گفتند. در میان اهل سنت نظریه‌های خلافت جدید و حاکمیت الهی و در میان شیعه نظریه‌های ولایت فقیه با طیف‌های متنوع، سلطنت مشروطه، خلافت امت و نظارت مرجعیت و وکالت مالکان مشاع مطرح شده است.

نظریه «ولایت امت بر خویش» که از سوی محمد مهدی شمس الدین طرح شد یکی از نظریه‌های جدید دولت در میان شیعه است که از ویژگی‌های منحصر به فردی چون گسست از نظام های سیاسی قدیم و تأسیس نظری برای دولت در مقطع زمانی‌ای خارج از شمول نص که نتیجه آن آزادی مطلق مسلمانان در دوران غیبت کبرا در تشکیل حکومت متناسب با زمانه است و باور به تعلیق ولایت سیاسی امام معصوم در دوران غیبت و منحصر دانستن ولایت سیاسی امام به زمان حضور، برخوردار است. از دیگر ویژگی‌های این نظریه رویکرد مثبت آن به سازوکارهای جدید و مثبت بر آمده از تمدن و تجربه سیاسی غرب است. این پژوهش در پی ایضاح منابع و مبانی و ابعاد ساختاری و کارکردی نظریه دولت ولایت امت است.

2. علت انتخاب موضوع

علت انتخاب موضوع نظریه دولت در اندیشه سیاسی شمس الدین گذشته از علاقه شخصی به این موضوع آن است که وی در باب نظام سیاسی، نظریه‌ای تأسیسی و گسسته از دیگر نظریات «نظام سیاسی متفکران» در انیشه اسلامی و مورد توجه متفکران مسلمان - شیعه و سنی - بوده و برخلاف غالب نظریه‌های دولت که میان شهروند مسلمان و غیر مسلمان تمایز قائل است، حقوق کامل شهروندی را برای تمامی افراد تابع دولت قائل می‌شود.

3. سابقه پژوهش

تاکنون شماری از مقالات و پایان‌نامه به بررسی اندیشه سیاسی شمس‌الدین پرداخته‌اند، دکتر حسین رحال در پایان‌نامه دکترایش با عنوان «اشکالیات التجدید دراسة في ضوء علم اجتماع المعرفة»¹ به مطالعه سیر تحول نواندیشی چند متفکر و از جمله محمد مهدی شمس‌الدین پرداخته است. همچنین دکتر علی اکبر کمالی اردکانی در پایان‌نامه دکترایش با عنوان «دولت انتخابی اسلامی» نظریه سیاسی شمس‌الدین را با نظریه سیاسی مهدی حائری یزدی مقایسه کرده است.² اما در باب تحلیل سیستمی نظریه‌های دولت، کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» تألیف دکتر داود فیرحی که به مطالعه دو نظریه سلطنت مشروطه اسلامی و ولایت فقیه پرداخته، تنها اثری است که در موضوع خود تاکنون عرضه شده است و پژوهش حاضر - در بخش تحلیل سیستمی نظریه ولایت امت بر خویش - در ادامه آن است و الگوی خود را از آن اخذ نموده است.

4. سؤال اصلی

سؤال اصلی این پژوهش آن است که نظریه دولت ولایت امت چه منابع و مبانی و ساختار و عناصر و کارکردهایی دارد؟

5. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- 1- ساختار عمومی نظریه دولت ولایت امت مبتنی بر رویکردی ایجابی نسبت به نظام سیاسی و نفی ولایت سیاسی فقها در عصر غیبت است و به رغم برخی اختلافات بر تجربه دموکراسی غربی استوار است.
 - 2- نظریه ولایت امت بر خویش، کارکردی دموکراتیک و غیر اقتدار گرا دارد.
- هدف این پژوهش نشان دادن ماهیت رابطه میان عناصر ساختاری نظریه ولایت امت به منظور ایضاح تفصیلی و شناسایی جزئیات نظام سیاسی ملحوظ در این نظریه و نیز نشان دادن وظایف و نقشی است که فعالیت هر جزء یا بخش خاص از نظام ولایت امت در مجموعه وکل نظام سیاسی ایفا می‌کند.

6. سازماندهی تحقیق

1 - ر.ک حسین رحال، اشکالیات التجدید دراسة في ضوء علم اجتماع المعرفة، بیروت، دارالهادی، 2001.

2 . ر.ک علی اکبر کمالی اردکانی، دولت انتخابی اسلامی، تهران، کویر، 1383.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

این پژوهش در سه بخش و شش فصل و یک نتیجه گیری سامان یافته است.

بخش اول: طرح تحقیق و چارچوب نظری.

مقدمه: طرح تحقیق.

فصل 1: چارچوب نظری.

بخش دوم: منابع و مبانی نظام سیاسی ولایت امت.

فصل 2: منابع نظام سیاسی ولایت امت

فصل 3: مبانی تاریخی - اجتماعی نظریه نظام سیاسی ولایت امت.

فصل 4: مبانی کلامی - فقهی نظام سیاسی ولایت امت.

بخش سوم: ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت.

فصل 5: ساختار نظام سیاسی ولایت امت.

فصل 6: کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت.

نتیجه گیری

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

فصل اول:

روش شناسی تحقیق

روش شناسی تحقیق

واژه دولت از واژه‌هایی است که به سبب گستره و تنوع کارکردهایش بیشترین کاربرد را در زندگی روز مره انسان‌ها دارد. دولت از کهن‌ترین و تقریباً جهانی‌ترین نهادهای بشری است و ضرورت آن همواره از سوی متفکران مورد تأکید بوده است. اگرچه در سطح نظری و ذهنی، تصور جامعه بدون دولت از سوی پاره‌ای از متفکران شده و آنان از حیات اجتماعی در وضع آنارشی سخن گفته‌اند، ولی «نمونه ثبت شده‌ای از یک جامعه واقعی گذشته و حال وجود ندارد که برای مدتی طولانی بدون هیچ دولتی به فعالیت ادامه دهد»³ اما حقیقتاً دولت چیست؟

نخستین تعریفی که از دولت در ذهن نقش می‌بندد این است که دولت، سازمانی اجتماعی است و به تناسب جوامع و ملت‌ها و دوره‌ها از درجات مختلفی از سادگی و پیچیدگی برخوردار است. اما دولت به سبب برخی ویژگی‌هایش از دیگر سازمان‌های اجتماعی تمایز و بر آنها تفوق دارد.

بنابر تعریف ماکس وبر:

«دولت (نظام سیاسی) اجتماع انسانی‌ای است که مدعی انحصار کاربرد مشروع زور جسمانی

در داخل سرزمین معین است.»⁴

و بنا بر تعریفی دیگر:

3 - آستین رنی، حکومت: آشنایی با سیاست، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی 1374، ص 13.

4 - عبدالرحمان عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ چهارم 1377، ص 150.

«دولت مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائده در یک جامعه را وضع و با پشتوانه

قدرت برتری که در اختیار دارند اجرا می‌کنند.»⁵

مهم‌ترین ویژگی دولت این است که دارای اقتداری فراگیر است که حاکم بر افراد و دیگر سازمان‌های اجتماعی است. قوانین هیچ یک از سازمان‌های اجتماعی قابل تعمیم به همه نیست، اما قوانین دولت همه افراد جامعه سیاسی را شامل می‌شود. «ویژگی‌های دیگر دولت نخست این که از نظر جغرافیایی در سرزمین مشخصی واقع است و بر آن حکمرانی می‌کند. در درون چنین سرزمینی مردمی زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان شهروند به شمار می‌روند...»

هردولتی معمولاً در درون سرزمین خاصی مدعی سلطه یا تفوق بر کل سازمان‌ها و تشکلات یا گروه‌های داخلی است، عملکرد مرسوم در رابطه میان دولت و گروه‌های داخلی این است که دولت یگانه تشکل صاحب اقتدار تلقی می‌شود...

دولت هم چنین برخلاف گروه‌های داخلی دارای بیشترین میزان سلطه بر منابع و وسایل اجبار است. زوری که دولت اعمال می‌کنند از دیگر انواع زور متمایز است. دولت برای انجام دادن اعمال لازم واجد اقتدار و آمریت است و انحصار قدرت در دست آن لازم و قانونی شناخته می‌شود.⁶

ویژگی دیگر دولت این است که بر خلاف دیگر سازمان‌های اجتماعی که عضویت در آنها ارادی است عضویت اولیه در یک کشور غیرارادی است.

نظریه های دولت

ویژگی‌هایی که برای دولت بر شمرده شد، بیشتر وجوه صوری دولت را بیان می‌کند و نشان دهنده همه ابعاد دولت مانند منشأ و ماهیت و منبع مشروعیت قدرت سیاسی نیست. دولت‌ها گذشته از ویژگی‌های ذاتی‌اشان مانند اقتدار فراگیر، انحصار کاربرد زور، انحصار وضع قانون عام، اجرای قوانین و غیرارادی بودن عضویت افراد در آن، دارای منشأ و ماهیتی هستند و به منبع خاصی از مشروعیت مستندند.

کاری که نظریه‌های دولت می‌کنند این است که به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌گویند که

5 - اندرو وینست، نظریه‌های دولف ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، 1381، ص 41.

6 - همان، ص 42.

«چرا باید اطاعت کرد؟ اصولاً خاستگاه دولت و ضرورت دولت چیست؟ قدرت دولت را چه کسانی و به چه دلیل در دست دارند؟ مرزهای قدرت دولت تا کجاست؟ چگونه می توان قدرت دولت را مهار کرد؟ و بر آن نظارت نمود؟ دولت با چه مکانیسم هایی اعمال قدرت می کند؟ و سرانجام غایت قدرت و هدف دولت چیست؟ قدرت چگونه توزیع و چگونه جابه جا می شود؟»⁷

در نظریه های دولت، منشأ و خاستگاه دولت مورد بررسی قرار می گیرد. در نظریه های اسلامی دولت، خاستگاه دولت میان حق الهی و عقد اجتماعی و حق طبیعی در نوسان است.

طبیعی است که دولت اساساً متکی بر اطاعت مردم از قدرت و تن در دادن مردم به قوانین آن است و این امر مستلزم فراهم بودن عوامل توجیهی مشروعیت بخش در یک نظریه است.

نظریه های دولت در اسلام هر کدام می کوشند تا به مدد نص و حیانی و سنت و سیره پیامبر و میراث تاریخی اسلامی برای خود کسب مشروعیت کنند.

مشروعیت یافتن نظریه های دولت در اسلام آنها را در دژ استوار و مصون از تعرض قرار می دهد و از آن رو که این نظریه ها خود را مستند به نص و حیانی می دانند، مجموعه ای از اقدامات پیشگیرانه یا اعمال قدرت شرطی و اقدامات جزائی یا اعمال قدرت تنبیهی در مورد کسانی که قصد تمرد از قوانین و مقررات این دولت را دارند تدارک می بینند. گویا قداست موجود در نص دینی به دولت اسلامی هم سرایت می یابد و از این رو است که در نظریه های دولت اسلامی کسی که از دولت سرپیچی کند و مشروعیت آن را به رسمیت نشناسد گویا از شرع مقدس سرپیچی کرده است. به این ترتیب آن ضرورت عقلانی ای که اصل وجود دولت در میان همه ملل از آن برخوردار است در میان مسلمانان مستند به شریعت و نصوص شرعی نیز هست. نظریه های دولت در اسلام از یک حیث قابل تقسیم به دو دسته اند: 1. نظریه هایی که به توجیه و مبنایزدایی برای نظام سیاسی موجود و متداول و تجربه شده - مانند نظام خلافت در اهل سنت و نظام سلطنت در میان شیعه - می پردازند. 2. نظریه هایی که معطوف به الگوی حقیقی و اصیل نظام سیاسی در اسلام است.

بر اساس نوع نگاهی که نظریه های دولت به چرایی و چگونگی و خاستگاه دولت و چگونگی توزیع و جابه جایی قدرت دارند، می توان آنها را طبقه بندی کرد.

7. داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، چاپ دوم، 1383، ص 12.

«شاید بتوان گفت که مهم ترین معیارهای طبقه بندی تئوری دولت، عبارتند از منشأ و ماهیت دولت، غایت دولت، حدود آزادی فرد و اقتدار دولت و منبع مشروعیت قدرت سیاسی. اصولاً مهم ترین نظریاتی که درباره دولت عرضه شده‌اند، معطوف به منشأ، ماهیت و غایت دولتند و نظریات دیگر هم مآلاً در ذیل همین تئوری‌ها قرار می‌گیرند. مثلاً وقتی دولت را ادامه خانواده و جامعه مدنی و شرط تکامل آزادی و خود آگاهی فرد می‌دانیم، آن را به عنوان پدیده‌ای «طبیعی» تلقی می‌کنیم؛ و یا وقتی آن را حاصل قرار داد و توافق افراد می‌شماریم، از آن به عنوان پدیده‌ای ساختگی یاد می‌کنیم و باز هم وقتی دولت را پدیده‌ای مصنوع اما حاصل اجبار بخشی از جامعه نسبت به بخشی دیگر در نظر می‌گیریم آن را پدیده‌ای نه قرار دادی بلکه اجبار آمیز تلقی می‌کنیم.

... طبقات تئوری‌های حقوقی دولت براساس معیار منبع مشروعیت قدرت سیاسی بهتر مشخص می‌شوند.

این که قدرت دولت را ناشی از خداوند یا حقوق طبیعی و یا خواست مردم تلقی کنیم، بر میزان قدرت دولت و حدود آزادی فرد تأثیر می‌گذارد.»⁸

پیدایی و تحول نظریه‌های دولت در اسلام

به نظر می‌رسد اگرچه در تاریخ اسلام پس از پیامبر(ص) نخستین دولت‌های اسلامی را کسانی اداره کردند که بعدها در اردوگاه اهل سنت و جماعت قرار گرفتند. اما نخستین نظریه دولت را اقلیتی مسلمان به نام شیعه وضع کرد که به سازوکار انتخابی - و البته آن هم مشکوک - تعیین خلیفه پیامبر(ص) معترض بود و آن را موکول به نص و سنت پیامبر(ص) می‌دانست که تصمیم‌گیری درباره آن به مردم سپرده نشده است و بدین گونه نظریه امامت شیعی قد علم کرد. در مقابل، نظریه خلافت سنی هم به مرور زمان شکل گرفت تا اکثریت مسلمان در برابر اقلیتی که نظریه مشخصی درباره دولت دارند دست بسته نمانده باشد. نظریه خلافت سنی بیشتر ریشه در تجربه تاریخی اسلامی دارد تا ریشه در اصول و ادله منصوص شرعی.

8. آندرو وینسنت، پیشین، مقدمه مترجم، ص 7 - 8.

نظریه خلافت اهل سنت تا زمان فروپاشی عثمانی همچنان بانوسان‌هایی که در قالب و منبع مشروعیت به خود دید خود را حفظ کرد، تا در سال 1924م این نظام در معرض هجوم لائیک‌های مسلمان و جوان ترکی قرار گرفت که متأثر از مؤلفه‌های جدید دولت در غرب و به ویژه ناسیونالیسم و تجدد بودند و هم آنان این نظام را از بیخ برکنند و مجال تجزیه امپراطوری خلافت عثمانی را که غالب جهان عرب را تحت شمول خود داشت، به کشورهای کوچک و بزرگ با دولت‌هایی مستقل فراهم کردند.

شاید نخستین نظریه جدید دولت را میان اهل سنت از سوی علی عبدالرازق متفکر مصری عرضه شد که چهار سال پیش از نحلل خلافت عثمانی با انتشار کتاب الاسلام و اصول الحکم جنجال بزرگی را برانگیخت. بی‌گمان آشنایی با غرب و تجدد غربی و ارزش‌های مدرن غربی در حوزه دولت و سیاست و التفات به ناکارآمدی الگوی کهنسال دولت خلافت او را به نقطه‌ای کشاند که اساساً وجود دولت اسلامی را در زمان پیامبر(ص) منکر شد. پس از وی حسن البنا با تأثیرپذیری از رشید رضا نظریه دولت اسلامی را که باطناً همان خلافت اسلامی - با برخی تعدیل‌ها و تفاوت‌ها - است مطرح کرد و در امتداد آن نظریه حاکمیت الهی که نظریه‌ای بسیار افراطی و تکفیرگر است از سوی سیدقطب ظهور کرد.

اما در میان شیعه بلافاصله پس از غیب کبرای امام دوازدهم، شیعه مبنا و نظریه جدیدی برای دولت نیافت و در دوره نخست پس از غیبت کبرا، اصل و اساس دولت در زمان غیبت، نامشروع و حکومت جور تلقی شد و ردپای تلقی اصل دولت به عنوان جور در نظریه‌های متأخر شیعی نیز وجود دارد. تا این که در دوران صفویه نخستین نظریه دولت شیعی پس از عصر غیبت در شکل نظریه ولایت فقیه مطرح می‌شود. و چنان که دکتر علی شریعتی در کتاب تشیع صفوی و تشیع علوی به درستی توضیح می‌دهد، تشیع از یک جنبش [معارض] به یک نظام تبدیل می‌شود نظریه ولایت فقیه در دوره قاجار بیش از پیش مبنا پردازی شد و بیش از همه فقها، محمد مهدی نراقی آن را بسط داد.

در دوره مشروطه با نظریه شیعی دیگری که «سلطنت مشروطه اسلامی» نام دارد و نظریه‌پردازان آن مانند محلاتی و نائینی با تلفیق عناصری از نظریه ولایت فقیه و نظریه‌های دموکراتیک غربی نظریه تازه‌ای را در باب دولت در عصر غیبت طرح‌ریزی کردند که به رغم رویکرد سلبی به دولت، عناصر مثبت فراوانی مانند تحدید قدرت، حق انتخاب مردم و اعتبار رأی اکثریت در خود نهفته داشت.

پس از حدود نیم قرن از شکست مشروطه، بار دیگر به قرائتی تازه از ولایت فقیه می‌رسیم که به وسیله امام خمینی عرضه شد و در آن جایی برای سلطنت و سلطان نیست، سلطنت اساساً نامشروع است و حکومت اسلامی، حق فقیه دانسته می‌شود.

به موازات این نظریه، نظریه دیگری به نام خلافت امت و نظارت مرجعیت از سوی محمد باقر صدر عرضه شد که آن هم رویکردی ایجابی به دولت داشت و نظریه "ولایت امت" تا حد زیادی از آن متأثر است.

در یکی دو دهه آخر قرن بیستم؛ با دو نظریه مشابه مواجه می‌شویم که یکی از آن دو نظریه ولایت امت برخویش (موضوع این پایان‌نامه) است که از سوی محمد مهدی شمس‌الدین ارائه شد و دیگری نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع که از سوی مهدی حائری یزدی عرضه شد. نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع، دولت را وکیل شهروندانی می‌داند که بنا به حقی طبیعی - و نه قراردادی - مالک حکومت هستند و این مالکیت هم نه مالکیتی شخصی بلکه مشاع و غیرانحصاری است. ماهیت دولت در این نظریه چیزی جز وکالت نیست.

اما نظریه ولایت امت که به تفصیل در این پژوهش بررسی خواهد شد نظریه‌ای دموکراتیک و مبتنی مبانی فقهی و کلامی‌ای است و گسستی اساسی از نظریه‌های پیشین شیعی را رقم زده است و تفاوت آن با نظریه حائری یزدی در این است که دولت را در زمان پیامبر اسلامی (ص) و حضور امامان (ع) حق آنان می‌داند و در این مقطع حق انتخابی برای مردم نمی‌شناسد، ولی پس از غیبت کبرا، ولایت را از آن خود امت می‌شمارد.

مدل تحلیل

مدل تحلیل این پژوهش، تحلیل سیستمی است که یکی از مدل‌های رایج در تحلیل نظریه‌های سیاسی به هدف مقایسه آنها با یکدیگر است. این مدل تحلیل دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای است که دیگر مدل‌ها به رغم مزیت‌هایی که دارند فاقد آن هستند.

مهم‌ترین مزیت تحلیل سیستمی کلیت‌نگری آن و تحلیل یک سازمان مانند دولت و نظام سیاسی به عنوان یک سیستم است و نه صرفاً واحدی دارای اجزایی که از طریق تبیین و تحلیل آن اجزاء، انگاره‌ای نسبت به آن به دست داده شود. در نگره سیستمی هر نظام و سیستمی معطوف به غایت و هدفی مفروض می‌شود.

دو سوسور سیستم را چنین تعریف می‌کند:

«کل سازمان یافته‌ای مرکب از عناصر متعدد که آنها را تنها در ارتباط با یکدیگر و برحسب

مکانی که در این کل دارند می‌توان تعریف کرد.»⁹

مدل تحلیل سیستمی در تحلیل نظام سیاسی آن را به عنوان کلی دارای اجزاء مرتبط به هم می‌بیند که آن اجزاء ساختارها و کارکردهای آن را تشکیل می‌دهند. چنان که آموزند و پاول اظهار می‌دارند:

«یک سیستم الهام‌بخش نوعی همبستگی بین اجزا و نوعی مرز با محیط اطراف است. منظور از همبستگی این است که زمانی که خصوصیات یک مؤلفه از یک نظام متحول شود، همه مؤلفه‌های نظام به عنوان یک مجموعه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آنان تأکید دارند که نظام‌های اجتماعی محصول تجمع افراد نیست، بلکه حاصل به هم پیوستن نقش‌ها است. در مورد نظام سیاسی، آنان مدعی هستند که نظام سیاسی از نقش‌های تعامل کننده اتباع یا شهروندان با قانونگذاران، بوروکرات‌ها و قضات تشکیل می‌شود.»¹⁰

در تحلیل نظریه ولایت امت مجموعه‌ای از ساختارها و کارکردهای این نظریه به مثابه یک نظام سیاسی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

ساختارهای نظام سیاسی ولایت امت و کارکردهای آن دو بخش عمده تحلیل ما خواهد بود. ساختارها در هر نظریه سیاسی عناصر اصلی تحلیل هستند و کارکردها در هر نظام موجب تمایز ماهوی آن از یک نظام دیگر می‌شود.

در بحث ساختارهای نظام سیاسی ولایت امت چهار موضوع مورد توجه است:

1. عناصر دولت؛ 2. مرزهای دولت؛ 3. شبکه روابط دولت؛ 4. مخازن یا منابع قدرت دولت. در بحث کارکردها نیز چهار موضوع از اهمیت بیشتری برخوردارند: 1. جریان قدرت؛ 2. مرکز تصمیم‌گیری یا رهبری دولت؛ 3. بازخوردهای مؤثر در دولت؛ 4. دامنه قدرت دولت.

نظریه‌های دولت در اسلام پیش از هر چیز به ارائه دلیل یا ادله برای اثبات اصل ضرورت دولت در اسلام می‌پردازند و این دلائل معمولاً برآمده از ادله چهارگانه استنباط یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل است. پس از

9. دانیل دوران، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمد یمنی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، 1370، ص 14.

10. سید حسین سیف‌زاده، مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست، تهران، نظر دادگستر، 1379، ص 224.

ارائه ادله، عناصر دولت اسلامی یعنی مجموعه‌ای از نهادها و گروه‌هایی که در تکوین دولت نقش دارند، معین می‌شوند.

پس از این به تعریف و تحدید مرزهای دولت می‌پردازند. مرزها می‌توانند یک دولت و نظام سیاسی را از محیط و پیرامون جدا کنند.

نظریه‌ها پس از مرزبندی دولت به طراحی و تعریف شبکه خاصی از قدرت درون مرزهای خود اقدام می‌کنند و جایگاه نهادها و عناصر قدرت را در این شبکه نشان می‌دهند. به لحاظ اهمیتی که نهاد امامت و خلافت و رهبری در نظام سیاسی اسلامی و تاریخ سیاسی اسلام دارد، نظریه‌ها به تعریف این نهاد به عنوان عالی‌ترین مرکز هدایت دولت می‌پردازند. امامت و خلافت و رهبری در نظریه‌های قدیمی نظام سیاسی و دولت در اسلام بیشتر شخصی و شخص محور بوده است ولی در نظریه‌های اخیر بیشتر به عنوان نهاد لحاظ می‌شود.

موضوع دیگری که نظریه‌ها بدان می‌پردازند حدود و قلمرو یا دامنه قدرت دولت اسلامی است. نظریه‌ها به این پرسش پاسخ می‌گویند که آیا دامنه قدرت دولت محدود و منحصر به حوزه عمومی است و یا حوزه خصوصی افراد را نیز شامل می‌شود. پاسخ به این پرسش در طبقه‌بندی دولت‌ها به عنوان دولت حداقل یا حداکثر و دولت دموکراتیک یا توتالیتر بسیار مؤثر و تعیین کننده است.¹¹

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، توصیفی است.

11. برای تفصیل بیشتر ر.ک داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، پیشی، ص ص 17 - 16.

بخش دوم

منابع و مبانی نظام سیاسی
ولایت امت



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

منابع نظری نظام سیاسی ولایت امت

منظور از منابع، مستندات است که این نظریه بدانها استناد می‌کند. هر نظریه پرداز مسلمان پیش از آن که نوع و شکل حکومت را معین کند برای اثبات اصل ضرورت وجود حکومت در اسلام به سراغ ادله و تحلیل آنها می‌رود. این ادله، منابعی هستند که نظریه‌های دولت در اسلام از آنها تغذیه می‌کنند.

دلایل وجوب حکومت

شمس الدین مسأله حکومت را «نه بخشی از بخش های شریعت اسلامی و نه فصلی از فصول آن و نه بابی از ابواب آن و بلکه طبیعت آن و نتیجه آن و نشانه‌ای در شریعت اسلامی» می‌داند که «مانند بر آمدن میوه از درخت و روشنی از خورشید» از دل آن زاده شده است. بر اساس این روش متون و قواعد مرتبط با مسأله سیاسی در اسلام، با همه دلالت ها و ابعاد آن ظهور می‌یابد و یکپارچگی و ارتباط درونی آن با دیگر کلیات و عناصر عقیده و شریعت و ارتباط آن با دیگر اصول و قواعد واحکام شریعت اسلامی متبلور می‌شود و از سوی دیگر قدرت و صلابت نگره سیاسی اسلامی و از سویی انعطاف آن روشن می‌شود و به عبارت دیگر ثبات این نگره از سویی و قابلیت آن برای در برگرفتن متغیرات از سوی یگر ظهور می‌یابد.¹²

با این حال وی به شماری از ادله نقلی و عقلی برای اثبات ضرورت وجود دولت و حکومت اشاره می‌کند. ادله مورد استناد وی شامل مجموعه‌ای از روایات و آیات و سیره پیامبر اسلامی (ص) و ادله عقلی مانند ضرورت و بداهت وجود نظم در جامعه و منوط بودن آن به وجود دولت است.

شمس الدین به شماری از احادیثی استناد می‌کند که مضمون آنها این است که هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. وی از این احادیث نتیجه می‌گیرد که شناخت امام زمان و دوستی او و اطاعت از او - که گویای ضرورت پای بندی به قدرت شرعی اسلامی است - اموری هستند که در

12. محمد مهدی شمس الدین، فی الاجتماع السياسي الاسلامی، چاپ دوم، المؤسسة الدولية للدراسات و النشر، بیروت، 1999، ص 17 - 16.

درستی و راستی پای بندی به کلیت اسلام دخیل هستند، زیرا مسأله حکومت در ترکیب شریعت اسلام دخیل است و فقدان چنین التزامی موجب خلل و کاستی عمیقی است که منحصر به مسأله حکومت نمی شود و بلکه به همه وجوه حیات انسان مسلمان سرایت می کند. و گرنه اگر مسأله حکومت هم بخشی از بخش های شریعت - در مقابل بخش های دیگر بود، چرا مرگ چنین شخصی (که امام زمان خود را شناخته است) مرگ جاهلی و اعمال او نا مقبول است؟¹³

شمس الدین اصل حکومت را از مسائل بدیهی و بی نیاز از پرسش می داند:

«چنان که در بسیاری از آیات قرآن مشاهده می شود مسلمانان درباره هر مسأله ای که مرتبط به زندگی عمومی و خصوصی ایشان بود و ارزش پرسیدن داشت و حتی اگر ارزش پرسیدن نداشت، از پیامبر (ص) می پرسیدند تا جایی که آیه 101 سوره مائده مومنان را از پرسیدن چیزهایی که ارزش پرسیدن ندارد باز داشت. متون روایی هم سرشار از هزاران پرسش مرتبط به زندگی انسان و فعالیت های مختلف او با دیگران و تعاملش با طبیعت است، اما هیچ گاه پرسشی را از اصل تشریح دولت و حکومت نمی یابیم. این امر تفسیری جز این ندارد که مسلمانان با درک این که جامعه ای سیاسی را تشکیل داده اند که طبیعتاً باید دولت و حکومتی داشته باشد و نیز مشروعیت آن را از طبیعت شریعت اسلام و از راه فعالیت های حکومتی پیامبر (ص) درک کرده بودند، به ضرورت و بدیهی بودن دولت و حکومت پی برده بودند.»¹⁴

شمس الدین معتقد است نخستین تجربه شکل گیری دولت اسلامی و حکومت اسلامی با رسیدن پیامبر (ص) به مدینه محقق شد، زیرا پیامبر (ص) فوراً وظایف رهبری و حکومت سیاسی را در کنار وظایف رسالت و نبوت - که بعد تبلیغی و ارشادی دارد - بر عهده گرفت و از نخستین اقدامات ایشان در سطح سازماندهی عمومی جامعه، عقد پیمان برادری میان مهاجران و انصار و تنظیم رابطه میان مسلمانان و یهودیان مدینه براساس پیمان (صحیفه) مدینه است.

13. محمد مهدی شمس الدین، فی الاجتماع السياسي الاسلامی، پیشین، ص 19.

14. همان، ص 69.

«هسته نخست دولت اسلامی - در سطح عملی و اجرایی - با بیعت عقبه دوم میان پیامبر (ص) و نمایندگان اوس و خزرج در موسم حج در مکه شکل گرفت. این بیعت چند ماه پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه است...»

مضمون این بیعت، قراردادی بر سر تأسیس قدرتی سیاسی - به تمام معنای این کلمه - است که بر جامعه سیاسی متعهدی حکومت کند، پیامبر (ص) و نمایندگان یثرب می دانستند که این جامعه و حکومت آن به سبب درون مایه ایدئولوژیک این جامعه به زودی با دشمنی های سیاسی و جنگ‌هایی با قریش و دیگران رویارو خواهند شد.

با ورود پیامبر (ص) به مدینه که ایشان بلافاصله وظایف رهبری و حکومت سیاسی را در کنار وظایف رسالت و نبوت (تبلیغ و ارشاد) بر عهده گرفت دولت اسلامی و حکومت اسلامی متولد شد.»¹⁵

وی در جای دیگر برای اثبات ضرورت وجود دولت و توجیه سلطه دولت بر فرد چهار دلیل اقامه می‌کند:

1. «ضرورت وجود دولت برای نظم بخشی به جامعه؛ زیرا تنظیم جامعه در گرو تشکیل قوا و حاکمیت است و طبیعی است که خدا مستقیماً حکم نمی‌راند و لابد للناس من امیر.
2. از باب مقدمه واجب؛ زیرا واجبات فراوانی مانند حفظ جان‌ها و آبروها و اموال در گرو شکل گیری قدرت و سلطه سیاسی است و بدین ترتیب اقدام دولت به انجام این وظایف از مقتضای اصل اولیه (عدم ولایه احد علی احد) خارج می‌شود.
3. وجوب حفظ نظام عام جامعه و حرمت اختلال در آن؛ که واجب کفایی است و حفظ نظام عبارت است از اداره امور جامعه به نحوی که نیازهای مادی و معنوی آن را به قدر امکان فراهم و روابط داخلی آن را تنظیم و خطر هرج و مرج را از آن دفع می‌کند.
4. وجوب اقدام به امور حسبیه نیز می‌تواند علتی برای مشروعیت قدرت سیاسی و اداری باشد، حسبیه یکی از مظاهر ولایت امت بر خویش است و فقیه در برخی موارد آن ولایت دارد.

عمومات کتاب و سنت و اجماع امت و ضرورت عقلی که بر وجوب حفظ نظام حکم می‌کند از ادله وجوب اقدام به امور حسبیه است و این دلایل که بر ولایت حسبیه دلالت دارد، اصل اولیه عدم سلطه انسان بر انسان دیگر را مقید می‌کند. 16

شمس الدین معتقد است تجربه حکومت اسلامی پیامبر (ص) امری عارضی و ضرورتی مقطعی و صرفاً به اقتضای ضرورت زمان نبوده و با پیروزی اسلام و رواج و گسترش آن، ضرورت استمرار چنین دولت و حکومتی از بین نرفته است. وی برای اثبات ضرورت استمرار دولت اسلامی پس از پیامبر (ص) علاوه بر استناد به دو دسته دلایل عقلی و نقلی را به دلیل اجماع هم اشاره می‌کند.

دلایل عقلی

الف: این که شریعت اسلام شریعت خاتم و ابدی و جهان شمول است.
ب: این که تکالیف عمومی و جمعی مانند قضاء و دفاع نظامی و جمع آوری اموال عمومی مانند خمس و زکات و مصرف آنها به صورت درست و بهره‌برداری از زمین های خراجی و آبها و معادن که ملک امت و منصب امام معصوم (ع) است بدون تأسیس دولت و برپایی قدرت حکومتی قابل انجام نیست.

دلیل نقلی

الف: وجود برخی روایاتی که به استمرار دولت اسلامی پس از پیامبر اشاره دارد، مانند روایت شبه متواتری که از پیامبر (ص) در کتب اهل سنت نقل شده و مضمون آن این است که پیامبر (ص) دوازده تن را به عنوان خلفای خویش معرفی می‌کند. روشن است که مفهوم این دسته روایات آن است که این خلفا در رأس دولت اسلامی قرار می‌گیرند.

ب: آیاتی که براستمرار دولت اسلامی پس از پیامبر (ص) دلالت مستقیم دارند مانند آیه 144 سوره آل عمران «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً؛ این آیه روشن می‌کند که پیامبر (ص) تنها پیامبری است، همانند پیامبران گذشته که اگر کشته شدند یا وفات یافتند، رسالتشان استمرار یافت و استفهام انکاری در آیه دلالت بر لزوم استمرار و تداوم

16. محمد مهدی شمس الدین، نظام الحكم والادارة في الاسلام، پیشین، ص 443 - 437 به اختصار.

مسیری دارد که پیامبر (ص) وضع کرد و در حیات خود آن را پی گرفت و آن تکوین جامعه‌ای سیاسی و بر پایی دولت و حکومت و اجرای احکام خدا است.»¹⁷

شمس الدین علاوه بر دلایل عقلی و نقلی که بر ضرورت استمرار دولت اسلامی پس از وفات پیامبر (ص) اقامه می‌کند، دلیل اجماع را هم می‌افزاید. وی معتقد است به رغم اختلافاتی که پس از وفات پیامبر اسلام (ص) بر سر جانشینی آن حضرت اتفاق افتاد، هیچ کس نه از تجمع کنندگان در سقیفه که با ابوبکر بیعت کردند و نه علی بن ابی طالب و همراهان او که مشروعیت ابوبکر را نپذیرفتند؛ بر سر اصل ایده خلافت و ضرورت نصب خلیفه‌ای که بر امت ولایت داشته باشد، سخنی تشکیک آمیز نگفت و از نامشروع بودن برپایی دولت و استمرار حکومت بر امت بر اساس اسلام حرفی به میان نیاورد، بکله همه مسلمانان در تمام مراحل پس از وفات پیامبر این حقیقت اسلامی شرعی و اساسی را که اقامه دولت اسلامی و حکومت اسلامی و نصب حاکم مسلمان واجب است، تلقی به قبول کردند.¹⁸

17. محمد مهدی شمس الدین، فی الاجتماع السياسي الاسلامی، پیشین، ص 175 - 162 با تلخیص.

18. همان ص 178 - 176.